

فصلنامه تاریخ اسلام

سال دهم، شماره 4، زمستان 1388، شماره مسلسل 40

تحلیل و بررسی موقعیت مدنی شهر واسط تا قرن سوم هجری

تاریخ دریافت: 88/10/14 تاریخ تأیید: 88/11/28

اصغر منتظرالقائم*

رقیه امینی**

هدف از این مقاله تحلیل جایگاه شهر واسط و بررسی عناصر مدنی این شهر می‌باشد. این مقاله با استفاده از روش وصفی - تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش است که شهر واسط چرا بنا نهاده شد و چه عواملی در رونق و گسترش آن مؤثر بود. واسط - بنا نهاده شده در سال 84 ق. - نمونه‌ای از شهرهایی است که منطبق با معماری اسلامی و الهام گرفته از ارزش‌های اسلامی ساخته شده است. این شهر در ابتدا با هدف اسکان سربازان و لشکریان ساخته شد، اما به مرور زمان با پذیرفتن ویژگی‌های مدنی از حالت اردوگاه بیرون آمد و صورت یک شهر اسلامی پیشرفته را به خود گرفت. در این مقاله ضمن تحلیل برخی نظریات ساخت شهر به موقعیت جغرافیایی بین‌النهرین و ارتباط

* دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان

** دانشجوی سابق دوره دکتری تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان. مطلع شدیم که این دانشجوی عزیز چندی پیش جان خویش را در حادثه تصادف از دست داده است. دفتر فصلنامه این ضایعه را به بازماندگان آن مرحوم تسلیت می‌گوید و آمرزش الهی را برای او از خداوند متعال درخواست دارد.

آن با شهرسازی اسلامی، زمینه‌های شکل‌گیری شهر واسط، نحوه بنای شهر، عناصر برجسته و مؤلفه‌های مدنی آن از جمله مسجد، دارالاماره، بازار، محلات و نحوه مکان‌گزینی شهر پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: شهرسازی اسلامی، واسط، معماری اسلامی، عناصر مدنی، جامعه شناسی شهری.

مقدمه

پیدایش شهر یکی از بزرگ‌ترین تحولات فرهنگ بشری و نقطه عطفی در تاریخ اجتماعی بوده است که موجب دگرگونی در روابط متقابل انسان با هموعان خود شده است. در خصوص علل شکل‌گیری اجتماعات مدنی نظریات متعددی بیان شده است که شهر را از جوانب مختلف نقد و بررسی کرده‌اند. مهم‌ترین این دیدگاه‌ها دیدگاه قرآن کریم درباره شهر است که نقش غیرقابل انکار مذهب در روند توسعه شهری را ملموس‌تر نشان می‌دهد.

شهرسازی در اسلام بر اساس اصول معین و برگرفته از ارزش‌های والای دین اسلام شکل گرفته است. قوانینی که با استفاده از تجربیات تمدن‌های گذشته، نیازهای فردی، اجتماعی و معنوی جامعه را برآورده می‌سازد. پیاده کردن این اصول سبب می‌شد که تمامی شهرهای اسلامی از نوعی وحدت ترکیب برخوردار باشند و از دیگر شهرها متمایز گردند.

با گسترش اسلام تعداد مسلمانان غیر عرب (موالی) در سرزمین‌های اسلامی افزایش یافت و آنان جزء مهمی از بافت و ساخت جامعه اسلامی شدند. آنان با شرکت در فتوحات سعی داشتند جایگاه قبلی خود را بازیابند و حقوق از دست رفته خویش را اعاده کنند؛ همچنین آنان با فراگیری زبان عربی و علوم دینی از نظر علمی سرآمد عصر خود شدند و

از این طریق توانستند در برابر اعراب به برابری دست یابند؛ اما اعراب و به ویژه امویان با تکیه بر عصبیت‌های قبیله‌ای، تفاوت‌های قومی و زبانی قصد سرکوب موالی را داشتند؛ از این رو رویارویی با موالی به صورت یک پدیده آشکار، جامعه اسلامی را در بر گرفت، حال آنکه بسیاری از ساکنان شهرها را موالی تشکیل می‌دادند و از آنجا که عمدتاً صاحبان حرف بودند سهم عمده‌ای از فعالیت‌های شهری را نیز بر عهده داشتند.

نمونه بارز این گونه شهرها واسط بود که حجاج بن یوسف ثقفی آن را در سال 84 هـ و در عصر خلافت عبدالملک اموی بنا کرد. این شهر در میانه راه بصره و کوفه واقع شده و به همین دلیل به واسط یا شهر میانی شهرت یافته است. اوج رونق و آبادانی آن زمانی بود که به عنوان مقر حکومت حجاج برگزیده شد و افول آن مقارن با تصمیم عباسیان برای تأسیس پایتخت جدیدی برای خویش بود.

درباره شهر اسلامی تحقیقات زیادی صورت گرفته است، اما تعداد محدودی از آنها به طور اختصاصی به تحلیل وضعیت شهر واسط پرداخته‌اند؛ حال آنکه در مورد مبنای ساخت این شهر، اصول اسلامی حاکم بر آن و تأثیرپذیری آن از معماری تمدن‌های گذشته، خصوصاً تمدن کهن ایران، سؤالات بسیاری مطرح است؛ لذا مقاله حاضر بر آن است تا ضمن پاسخگویی به سؤالات مطرح شده، فضای کالبدی شهر را با نظریات جامعه شناسان و صاحب‌نظران تطبیق داده و به نقد و بررسی عناصر مدنی شهر واسط و تحلیل عملکرد حکام در تقسیم قبایل، ایجاد محلات، تفکیک بازارها و نحوه ایمن‌سازی شهر بپردازد.

ریشه یابی واژه «شهر»

دو واژه شهر و تمدن در زبان لاتین از یک ریشه گرفته شده‌اند. در زبان‌های بیگانه کلمه تمدن (civilization) از کلمه civito که در مقابل وحشی‌گری قرار گرفته و از واژه civiliz گرفته شده است. این کلمه نخستین بار در کتاب **عادات و رسوم ملل قدیم اثر بولانژه** فرانسوی به کار رفته است و گویای پیشرفت و ترقی افراد در اجتماعات

شهری بوده است.^۱ این مطلب بیانگر این است که این دو مفهوم با یکدیگر مرتبط هستند. در زبان عربی^۲ نیز واژه «مدینه» از کلمه «دین» گرفته شده است که ریشه در زبان آرامی و سامی دارد. اکدی‌ها و آشوری‌ها نیز برای بیان مفهوم شهر از واژه دین به معنای قانون استفاده می‌کردند. کما اینکه واژه «دیان» در زبان آرامی و عبری به معنای «قضاوت» نیز آمده است. در قرآن کریم و احادیث و کتب لغت عرب نیز این معانی با هم هماهنگی دارند و واژه مدینه به معنای شهر با مدن و تمدن ارتباط لغوی دارد.^۳ در *لسان العرب* نیز واژه «مصر» در ابتدا مبین شهری مرزی و نظامی بوده است و واژه مدینه نیز از ریشه مَدَن و جمع آن مَدُن و مدائن به معنای محل سکونت است.^۴ در بسیاری از کتب تاریخی نیز واژه مصر و جمع آن امصار معادل واژه شهر به کار رفته است. مقدسی در *احسن التقاسیم* در تعریف مصر می‌گوید: «مصر به هر سرزمین جامعی اطلاق می‌شود که در آن حد به پا داشته شود و امیری در آن امارت کند و هزینه‌اش را به عهده گیرد و روستاهایش را گرد آورد».^۵

چرایی وجود شهر

جواب مشخص و معینی برای این سؤال وجود ندارد. مورخان، جغرافی‌دانان، انسان‌شناسان و سیاست‌مداران دلایل مختلفی را برای ضرورت وجود شهر ارائه می‌دهند که تعریف هر گروه متناسب با دیدگاه و عقاید آن است. شهر به عنوان مرکز اداری و نظامی برای کنترل مملکت، شهر به عنوان محلی با برج و بارو برای حمایت در مقابل مهاجمان، شهر به عنوان مرکز تشکیل فرهنگ و تمدن و بالأخره شهر به عنوان محل تجارت و تمرکز فعالیت‌های اقتصادی، تعریف‌هایی هستند که در دوره‌های مختلف تاریخ دلایلی برای اثبات وجود شهر به حساب می‌آمده است.^۶ اما آنچه در همه شهرها با همه خصایص و ویژگی‌هایشان مشترک است، تمرکز و تجمع نیروهای انسانی در یک فضای مشخص است که با هدف برآورده ساختن خواسته‌های مشترکشان و در راستای متمدن

شدن با هم به تعامل پرداخته و در جهت پیشرفت و رشد مدنی خود در تلاش‌اند. در اندیشه اسلامی نیز مدنیت به عنوان یکی از ملزومات زندگی بشر یاد شده است. مدنیّت‌یی که مبنای آن وحی بوده است و انبیا از ابتدا به آن توجه داشته‌اند؛ لذا حضرت ابراهیم⁷ از خداوند تقاضای شهری امن را دارد و بنای مدنیت الهی را نیز از بنای کعبه و مسجد الحرام آغاز می‌کند و پس از آن پیامبر گرامی اسلام⁸ این سنت را تداوم بخشید و به منظور ارتقای بعد معنوی و مادی مردم، نخستین الگوی شهرسازی اسلامی را فراروی مسلمانان قرار دادند.⁹

تاریخچه شهر

مورخان و جغرافی‌دانان با بررسی آثار بر جای مانده به این نتیجه رسیدند که نخستین شهرهایی که به دست بشر ساخته شد در سه بستر بزرگ تمدنی‌های باستانی، یعنی دجله - فرات، نیل و سند ایجاد شده‌اند. در اساطیر سومری از «اریدو» به عنوان نخستین شهری یاد شده که به دست بشر به یادگار گذاشته شده است.¹⁰ در حوزه جغرافیایی دجله و فرات، تمدن باستانی بین‌النهرین از مهم‌ترین و قدیم‌ترین تمدن‌هایی است که بستر شکل‌گیری شهرهایی است که در تاریخ این منطقه نقش برجسته و شاخصی داشته‌اند.

عوامل مهم پیدایش شهر

پژوهشگران و جامعه‌شناسان معتقدند علت گرایش انسان به زندگی شهری و اجتماعات مدنی میل طبیعی و گرایش ذاتی انسان به زندگی جمعی و تمایل او به رفع نیازهای زندگی و تداوم حیات می‌باشد. این مسئله به دلیل اهمیتش در زندگی اجتماعی بشر مورد توجه بسیاری از جامعه‌شناسان و پژوهشگران قرار گرفته است.

در پیدایش و شکل‌گیری شهر عوامل متعددی نقش دارند. حسین پاپلی یزدی به نقل از پرفسور هوفر¹¹ می‌گوید: «شهر نتیجه ارتباط میان شش جنبه است: ساخت اقتصادی (تنوع فعالیت)، ساختار اجتماعی (تفاوت طبقات اجتماعی)، ساخت کالبدی (طرح

ساختمان‌های عمومی)، موقعیت جغرافیایی، موقعیت قانونی و حیات سیاسی»^{۱۰}. امروزه به دلیل پیشرفت علم و صنعت عامل جغرافیایی نقش محدودتری یافته است، ولی دیگر عوامل همچنان مورد توجه واقع می‌شوند. شهر واسط نمونه‌ای از شهرهایی است که اگر چه در ابتدا به منظور رفع نیازهای نظامی و دفاعی ساکنان بنا گردید، اما با گذشت زمان صورت یک شهر واقعی با اصول و چارچوب‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی را به خود گرفت.

نظریه‌های شهر و مبنای شکل‌گیری شهرهای اسلامی

درباره علل پیدایش شهرها چهار نظریه مطرح شده است:

1. نظریه هیدرولیک؛
2. نظریه اقتصادی یا رشد بازارها؛
3. نظریه دفاعی، شهر به عنوان یک پایگاه دفاعی؛
4. نظریه مذهبی یا پیدایش معابد و عبادتگاه‌ها.^{۱۱}

بر اساس این نظریات، دیدگاه‌های دیگری نیز در خصوص علل شکل‌گیری شهر مطرح گردیده است که متناسب با موضوع پژوهش به برخی از آنها خواهیم پرداخت.

الف) نظریه ساخت شهر با تکیه بر عوامل جغرافیایی

اگر چه امروزه در بنای یک شهر عوامل طبیعی نقش محدودتری نسبت به گذشته ایفا می‌کند، اما این عامل در شکل‌گیری شهرهای اولیه نقش مهم و انکارناپذیری را ایفا می‌کردند. وجود تمدن‌های بزرگی چون مصر و بین‌النهرین و همجواری آنها با دو بستر بزرگ نیل و دجله و فرات گواه این امر است. پایه اولیه شکل‌گیری شهرهای اسلامی بین‌النهرین نیز بر همین اساس شکل گرفته است و حجاج بن یوسف نیز به هنگام ساخت شهر واسط به بعد طبیعی و موقعیت جغرافیایی شهر توجه وافری نشان داد.

ب) نظریه ساخت فرهنگی

امس را پاپورت از جمله اندیشمندان فرهنگ گراست. وی ساختار یک مجتمع زیستی را از نظر ویژگی‌های فرهنگی مورد دقت قرار داده و معتقد است عامل فرهنگی و به ویژه اعتقادات مذهبی مردم، اساس انتظام بخشی به زیستگاه‌های انسانی بوده است. او در این زمینه مذهب و مقدسات مردم را عامل نظم‌دهی به سکونت‌گاه‌های بشر دانسته است که غالباً به شیوه نمادگرایانه صورت می‌گرفته است.^{۱۲} مسجد جامع، بازار، حمام‌های عمومی و محلات نمونه‌ای از عناصر فرهنگی - اقتصادی بوده‌اند که در شکل‌دهی به کالبد شهرهای اسلامی بین‌النهرین نقش مؤثری داشته‌اند. شهرهایی که مرکزیت آنها را مسجد شکل می‌دهد و این همان الگویی است که پیامبر گرامی اسلام ﷺ فراروی مسلمانان قرار دادند.

ج) نظریه نظم اندامواره وحدت در کثرت

نمونه بارز شهرهایی که بر این اساس ساخته شده‌اند، شهرهایی هستند که بر مبنای بنیادی‌ترین اصل اعتقادی اسلام یعنی توحید ساخته شده‌اند، چرا که معماری اسلامی کوشیده است تا در تمامی وجوه، نیل به وحدت و یگانگی را دنبال کند. مساجد اسلامی بهترین نمونه این معماری به حساب می‌آیند که دارای سه شاخصه نظم هندسی، نظم کالبدی و نظم هارمونیک می‌باشند که در عین کثرت گواه وحدت و انسجام در شهر نیز می‌باشند. در ترسیم فضای اولیه شهر واسط نیز به عنوان یکی از شهرهای اسلامی به این اصل اعتقادی توجه شده است. در این شهر، بازار حکم سر در بدن و مسجد جامع حکم قلب آن را ایفا می‌کرد که ارتباط منظمی با دیگر عناصر شهری اعم از محلات مسکونی، مراکز سیاسی و نظامی شهر داشت.^{۱۳}

د) نظریه اسلام و شهر

این نظریه نیز در راستای دیدگاه و نظریه اخیر مطرح شده است؛ اما به دلیل اهمیت آن

به صورت مجزا به آن می‌پردازیم. در قرآن کریم^{۱۴} در اشاره به مراکز جمعیتی دو نوع نگرش و معیار مطرح شده است که یکی به مشخصات ظاهری شهر توجه دارد و دیگری به باطن و روح آن. کلماتی چون «قریه»، «مدین»، «مصر» و «حول» در ارتباط با ظاهر شهر و واژه «ام القری» در ارتباط با شهر مقدسی چون مکه استفاده شده است.

ریاض حسن در مورد مبدأ ایجاد شهرهای مسلمانان به دو سبک فرهنگی آنها اشاره می‌کند. او ابتدا ویژگی‌های بدوی اجتماعات قبل از اسلام را بر می‌شمرد و سپس به خصوصیات پیشرفته اجتماعات اسلامی می‌پردازد. و با این قیاس بر آن است تا به اثبات نقش دین در شکل‌گیری اجتماعات مدنی بپردازد. او بر این عقیده است که فرهنگ شهری نمی‌تواند بدون وابستگی به یک نظریه و چارچوب ماندگار به حیات خود ادامه دهد و انتقال از فرهنگ بدوی به فرهنگ شهری نیازمند ایده جدیدی بوده که اسلام آن را فراروی مسلمانان و جهانیان قرار داده است.^{۱۵}

با توجه به این تعابیر نقش عمده مذهب در توسعه شهری انکارناپذیر است، چرا که «در حقیقت هر شهر محوری است از تجمع ارزش‌هایی که تمدنی را می‌سازند و در نتیجه تصویر جهان را [بر اساس یک جهان‌بینی] به وجود می‌آورند».^{۱۶}

فوستل دوکولانژ نیز به عنوان یکی از پیشگامان نظریه تاریخی شهر بر این عقیده است که محوری‌ترین عاملی که منجر به استقرار انسان گردیده نهاد دین بوده است که کالبد شهر را با تأسیسات مذهبی متمایز می‌سازد.^{۱۷}

در اندیشه قرآن نیز چه بسا بتوان این نکته را برداشت کرد که برپایی مدنیت و شکل‌گیری آن از سوی پیامبران به وسیله وحی بوده است. خداوند از زبان صالح پیامبر به قوم ثمود می‌فرماید:

... ای مردم، خدای یگانه را که جز او خدایی نیست پرستش کنید.

او شما را از خاک بیافرید و برای عمارت و آباد ساختن زمین

برگماشت...^{۱۸}

حضرت ابراهیم 7 نیز هنگامی که مأمور شدند تا خانواده خود را در مکه سکنا دهند، از

خداوند خواستند تا آن سرزمین را مکان امنی برای ایشان و اهل او قرار دهند.^{۱۹} بر اساس این آیات می‌توان به این نتیجه رسید که مدنیت یکی از اصولی بوده که در اندیشه الهی به دقت به آن پرداخته شده است.^{۲۰} و حتی برخی از اصول اصلی آن همچون امنیت به عنوان مهم‌ترین نیاز جامعه و قداست به عنوان روح شهر مورد توجه واقع شده است. بر اساس نظریات ذکر شده می‌توان گفت شهرهای اسلامی شهرهایی هستند که بر اساس سه عنصر مذهب، حکومت و تجارت شکل گرفته‌اند؛^{۲۱} اما تجلی کالبدی این عناصر مسجد است که شهر اسلامی بر اساس آن مرکزیت می‌یابد. این شاخص در هر شهری که منسوب به اسلام باشد مدنظر قرار خواهد گرفت. همان طور که در شهر واسط نیز کارگزاران حکومت اسلامی آن را از نظر دور نداشته‌اند.

نظریاتی که مطرح شد عموماً مرتبط با نحوه شکل‌گیری شهر اسلامی است و به همین دلیل می‌توان شهر واسط را هم در پرتو آن بررسی کرد، چرا که مسلمانان به هنگام مکان‌یابی شهر به عوامل جغرافیایی، فرهنگی و عقیدتی شهر توجه کردند. در ادامه به نحوه شکل‌گیری شهر واسط و تطبیق آن با نظریات مطرح شده می‌پردازیم.

بین‌النهرین خاستگاه جغرافیایی شهر واسط

در هر تمدن، شهرنشینی پدیده‌ای است اجتماعی که در آن ویژگی‌های فرهنگی، سیاسی، مذهبی و نوع تفکر جامعه ساکن در آن به صورت ملموس موجودیت می‌یابد. تمدن بین‌النهرین به عنوان یکی از کهن‌ترین تمدن‌های جهان ارتباط وسیعی با پدیده شهرنشینی دارد و همواره به عنوان جایگاه تمدن باستانی شناخته شده است. بین‌النهرین یا میان‌دورود، ناحیه‌ای است در امتداد رودهای دجله و فرات و بین آن، که به دلیل منابع آبی فراوان به سرزمینی حاصلخیز و غنی تبدیل شده است. پس از ورود مسلمانان به بین‌النهرین این سرزمین به دو ناحیه عراق و جزیره تقسیم شد. مسلمانان در این سرزمین با دستاوردهای مدنی مردم آن آشنا شدند. و پس از انطباق با اصول اسلامی از آن‌ها بهره بردند و با استقرار در این منطقه اقدام به ساخت شهرهایی چون بصره، کوفه، واسط، بغداد

و سامرا نمودند.^{۲۲}

شهرسازی اسلامی در بین‌النهرین

اعراب مسلمان پس از ورود به سرزمین بین‌النهرین، به بهترین نحو از دستاوردهای آنها بهره بردند که بارزترین آن شهرسازی اسلامی بوده است. البته این امر بدین معنا نیست که شهرسازی اسلامی کاملاً منطبق با مدنیت بین‌النهرین است، چرا که مسلمانان قبل از آن با الگوی شهر اسلامی - مدینه - آشنا بوده‌اند.

آنچه وجه تمایز شهر اسلامی و شهرسازی بین‌النهرین را مشخص می‌کند ارتباط و اتصال مسجد به عنوان یک نهاد مذهبی، دارالاماره به عنوان یک مرکز سیاسی و بازار به عنوان شاخصه اقتصادی شهر می‌باشد. این در حالی است که در شهرهای بین‌النهرین انفصال و جدایی پرمعنایی میان قصر و معبد وجود داشت. البته در عصر کلدانی‌ها به عنوان آخرین اقوام ساکن در بین‌النهرین باستان، بر اثر نفوذ آشوری‌ها تا حدی بین معبد و قصر ارتباط و پیوند برقرار گردید.^{۲۳}

نکته دیگر در خصوص بازار در شهر اسلامی و شهر بین‌النهرینی است. در شهر اسلامی همجواری مسجد و بازار بارزترین ویژگی شهر اسلامی می‌باشد که یکی از ابداعات مسلمانان است؛ حال آنکه در شهرهای بین‌النهرین بازار جزء کم‌اهمیتی از شهر است که ارتباط محدودی با معابد و اماکن مذهبی دارد.^{۲۴}

نخستین تجربه ساخت شهر اسلامی در بین‌النهرین با ساخت کوفه و بصره آغاز گردید. شهر بصره در زمان خلیفه دوم به دست عُبَیْة بن غَزْوَان بنا گردید. شروع ساخت آن را در سال 14 هـ. دانسته‌اند.^{۲۵} این شهر در ابتدا با هدف ایجاد یک اردوگاه نظامی بنا شد، اما رفته رفته به شهری بزرگ تبدیل گردید که مسجد و دارالاماره هسته مرکزی آن را تشکیل می‌دادند.

پس از بصره، دومین شهری که مسلمانان بنیان نهادند، کوفه بود. این شهر نیز در زمان خلافت عمر بن خطاب تأسیس شد. مکان‌یابی شهر برعهده فرمانده سپاه سعد بن

ابی وقاص بود. این شهر در سال 17 هـ. بنا شد. معماری شهر کوفه ضمن تأثیرپذیری از معماری مدائن دارای هویت اسلامی بود. مرکزیت دادن به مسجد و اتصال نهاد مذهبی شهر به عناصر سیاسی و اقتصادی آن از مهم‌ترین ویژگی‌های این شهر می‌باشد.^{۲۶} سبک معماری بصره و کوفه، به عنوان مهم‌ترین شهرهای اسلامی در سه قرن نخست هـ.، در زمان امویان مورد تقلید حجاج بن یوسف ثقفی قرار گرفت و او این الگو را در شهر تازه تأسیس واسط پیاده نمود.^{۲۷}

موقعیت جغرافیایی شهر واسط

شهر واسط در سال 84 هـ. به دست حجاج بن یوسف ثقفی و در زمان خلیفه اموی عبدالملک ساخته شد.^{۲۸} این شهر در میانه راه کوفه و بصره و در دو سوی دجله و فرات ساخته شد. پیش از اسلام نیز یکی از شهرهای مهم دوره ساسانی به نام «کسکر» در این منطقه واقع شده بود. حجاج شهر جدیدش را در یک موقعیت روستایی سرسبز ساخت و عملیات ساختمانی و عمرانی آن را با ساخت مسجد و دیگر تأسیسات شهری تکمیل کرد.^{۲۹} واسط خاکی بسیار حاصلخیز داشت و غله بغداد را تأمین می‌کرد و به دلیل وفور محصولات کشاورزی، بازارهای آن نیز از رونق بسزایی برخوردار بود.^{۳۰} و به دلیل داشتن ماهی خشک کرده که به آن «شیم» می‌گفتند شهرت بسزایی داشت.^{۳۱}

موقعیت جغرافیایی مساعد شهر سبب شد تا زمینه توسعه و گسترش آن فراهم گردد. نهرهایی چون نهر قریش، نهر سیب و نهر بردودی نیز بر رونق و آبادانی این منطقه افزود و محلات و مناطق متعددی به شهر واسط ضمیمه گردید که معروف‌ترین آنها شهری به نام «رصاصه» بود که در ساحل چپ واسط بنا گردید و به معنای «سنگفرش» می‌باشد. نهر بان یا نهر آبان نیز در نزدیکی شهر واسط قرار داشت. این نهر پس از جدا شدن از دجله به بطائح یا مرداب‌ها سرازیر می‌شد. شهرت این نهر به آن اندازه بود که شهری به همین نام در اطراف شهر واسط بنا گردید. این نکته بیانگر تأثیر و تأثر عوامل جغرافیایی بر توسعه مدنی بود.^{۳۲}

ابن حوقل در وصف شهر واسط می‌گوید:

**بهشتی است که در میان حماه و کَته قرار دارد و آن دو بر آن رشک
می‌برند و رودخانه‌های دجله و فرات بر آن می‌بارد.**^{۳۳}

وجه تسمیه شهر واسط

واسط را از این‌رو واسط نامیدند که وسط کوفه، بصره و اهواز بود و با هر کدام پنجاه فرسخ فاصله داشت. حجاج شهر را در دو طرف دجله ساخته بود با قراردادن قایق‌هایی قصد داشت دو محل را به هم متصل سازد.^{۳۴}

مکان‌یابی شهر واسط

عموماً شهرها به صورت طبیعی شکل می‌گیرند؛ اما در صورتی که حکام یا امرا اقدام به تأسیس شهری جدید می‌کردند، قطعاً به مکان‌یابی شهرها توجه می‌نمودند. همان‌طور که اشاره شد، آب به عنوان یکی از منابع حیاتی نقش مهمی در شکل‌گیری اجتماعات بشری داشته و دارد.^{۳۵} اما در گذشته به دلیل عدم بهره‌گیری از صنعت و تکنولوژی، نقش این عامل پررنگ‌تر و مؤثرتر بود و حکام در طراحی اولیه شهر به این عامل توجه خاصی نشان می‌دادند.

واسط از جمله شهرهایی است که از حیث مکانی موقعیت مناسبی داشت. اصطخری در این باره می‌نویسد: «واسط بر دو کناره دجله واقع است. حجاج بن یوسف آن را بنا نهاده است و حصن حجاج آنجاست بر جانب غربی اندک مایه کشت دارد و شهر واسط شهری آبادان و پر نعمت باشد و هوای آن به از هوای بصره باشد. روستایی پیوسته و آبادان دارد.»^{۳۶} مقدسی نیز همین اوصاف را برای آن برشمرده است.^{۳۷}

ساختار و ویژگی کالبدی شهر واسط

1. مسجد

سیمای شهر اسلامی تحت تأثیر مفهوم کلی اسلام و جنبه تاریخی آن است. اگرچه به مرور زمان موقعیت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و جغرافیایی این جنبه تاریخی را تحت تأثیر قرار داده و ریخت شهر را تغییر و کالبد جدیدی را به آن بخشیده است.^{۳۸} با وجود این برخی از عناصر اسلامی به دلیل کارکرد و نقش ماندگاری که داشته‌اند، فارغ از تحولات و دگرگونی‌ها همچنان تداوم یافته‌اند. مسجد نمونه بارز این مؤلفه‌هاست که به عنوان جزو لاینفک کالبد شهر اسلامی مطرح می‌باشد. بنایی که معماری آن گواه و نمود وحدت در کثرت و یادآور یگانگی خداوند است.

کالبد شهرهای اسلامی با مسجد و عناصر مذهبی شکل و سیمای خاصی می‌یابد. در قرون نخستین اسلامی مسلمانان با بهره‌گیری از الگوی مدنی که پیامبر اکرم (ص) در مدینه منوره پیاده نمودند، اقدام به شهرسازی کردند. پیامبر اکرم (ص) پس از ورود به یثرب در گام اول اقدام به تأسیس مسجد کردند.^{۳۹} مسجدی که قرآن بنای آن را بر پایه تقوا دانسته است.^{۴۰} لذا حکام و فرمانروایان در طراحی شهرهای نوپنیا خود همواره این اصل را مدنظر قرار می‌دادند. مسجد، قلب شهر اسلامی بوده است که به سبب این مکان‌گزینی مناسب ارتباط مستقیمی با دیگر عناصر فرهنگی، اقتصادی و سیاسی داشته است.

دورنمای شهر واسط از همان ابتدا مشخص شده بود. حجاج بن یوسف ثقفی نیز در طراحی شهر واسط به این اصول و ارزش‌های اسلامی توجه نمود و در اولین گام اقدام به تأسیس مسجد جامع نمود، چرا که یکی از مهم‌ترین آیین‌های مسلمانان ادای نماز جمعه است که ادای آن منوط به داشتن مسجد جامع می‌باشد. به همین دلیل مسجد جامع جزو لاینفک معماری اسلامی گردیده است.^{۴۱} در شهر واسط مسجد جامع و دارالاماره در مرکز شهر طرح‌ریزی شد تا ساکنان شهر به راحتی به آن دسترسی داشته باشند. این شهر در

ابتدا تنها یک مسجد جامع داشت؛ اما با پیشرفت و توسعه آن و گسترش محلات بر تعداد مساجد افزوده شد.^{۴۲}

2. بازار

جامعه شناسان شهری زمانی به عامل اقتصاد به عنوان یکی از مؤلفه‌های ساخت شهر پرداختند که جوامع از این حیث دچار عدم تعادل شدند و تضاد طبقاتی حاکم گردید؛ اما در ابتدا این عامل با اینکه مدنظر کارگزاران قرار می‌گرفت، اما نقش محوری و کلیدی در ساخت شهر نداشت. لذا در طول تاریخ شهرها یا بر مبنای ایدئولوژی پذیرفته شده یا بر اساس نیازهای دفاعی و نظامی و یا به دلیل حل معضلات اجتماعی و قومی - نژادی شکل می‌گرفتند؛ ولی با گذشت زمان به دلیل محور قرار گرفتن اقتصاد در توسعه و رشد صنعت، نظریاتی نیز بر این اساس شکل گرفت. در شهرهای اسلامی قرون نخستین انفکاک و جدایی ملموسی بین سه عنصر اصلی شهر یعنی مسجد، دارالاماره و بازار وجود نداشت. و این امر سبب رونق نسبی و متقابل هر سه عنصر می‌گردید.

شایان ذکر است که مطالب ذکر شده دال بر بی‌اهمیت بودن بازار در شهر نیست. بازار در یک شهر حکم ستون فقرات آن شهر را دارد؛ اما در ابتدا عموماً شهرها بر مبنای تجارت و فعالیت اقتصادی شکل نمی‌گرفتند. مسلمانان نیز در طراحی و ترسیم کالبد شهر فضای مناسبی را به بازار اختصاص می‌دادند. بازار در شهرهای اسلامی به منزله مرکز مهم اقتصادی - اجتماعی می‌باشد. همزمان با گسترش اسلام و توسعه فتوحات مسلمانان، بازرگانی و تجارت به عنوان یک ضرورت در شهر مطرح گردید. لذا در شهرهای نوینیا بر ساختار بازار و مکان‌یابی مناسب آن تکیه می‌شد. همچون مسجد، اولین تجربه و الگو در زمینه تأسیس بازار نیز توسط پیامبر اکرم⁶ در اختیار مسلمانان قرار گرفت. ایشان با ساخت بازار «مهرقه» در مدینه و وقف آن برای مسلمانان ضمن ترویج سنت «وقف» در اسلام بر رفاه عمومی مردم افزودند.^{۴۳} پس از آن در بصره و کوفه نیز بازارهای مسقف ساخته شد و سنت نبوی تداوم یافت.^{۴۴} برای شهر واسط نیز بازارهای متعددی پیش‌بینی گردید. به

منظور جلوگیری از برخوردها و نزاع‌های قومی از همان ابتدا قطعه‌های بازار تفکیک گردید. این اقدام با تأکید بر ساختار قبایل و توجه به همگن بودن آنها صورت گرفت.^{۴۵}

3. محله

نظریه تقسیم کار اجتماعی یکی از مهم‌ترین دیدگاه‌های جامعه‌شناسی شهری است که بر مبنای عملکرد مجزای محلات مسکونی در عین حفظ اتحاد و انسجام و تمرکز ساکنان بر منطقه و محله خود و تلاش در رونق و آبادانی آن شکل گرفته است.^{۴۶} مصداق این امر اهتمام حکام و کارگزاران حکومت اسلامی در تقسیم شهر واسط و واگذاری قطایع به قبایل گوناگون می‌باشد. ضمن اینکه این امر از تضاد احتمالی گروه‌های ناهمگن شهر نیز می‌کاست.

بخش مسکونی شهر اسلامی را محله‌ها تشکیل می‌دادند. محلات در شهر اسلامی ساختار ویژه‌ای داشتند که برگرفته از الگوها و ارزش‌های اسلامی بود. حفظ هویت، مذهب و قومیت‌ها مرهون وجود محلات در بافت شهرهای اسلامی بود. در هر محله ساکنان با زبان، مذهب، اصل و نسب واحد و مشترک در کنار یکدیگر زندگی می‌کردند که پیامد آن بی‌شک کم شدن فاصله فقیر و غنی و اجرای اصل مساوات و عدالت اجتماعی بود.^{۴۷} در شهر اسلامی حریم خصوصی و حفظ حرمت خانواده اهمیت بسزایی داشت؛ لذا شکل‌گیری نظام محله در صدر اسلام نمود خاصی یافت.

ایجاد محلات در شهرهای اسلامی به سرعت زمینه پیشرفت و توسعه شهرهای اسلامی را فراهم نمود، چرا که این امر منطبق با ساختار قبیله‌ای و سازگار با طبیعت آنها بود و حکام مسلمان نیز از همین امر در راه پیشرفت و توسعه شهر بهره بردند. حجاج نیز شهر را به محلات متعدد تقسیم کرد. او گروهی از دانشمندان و صاحبان حرف را به شهر واسط منتقل کرد و برای هر گروهی اقطاعی از شهر را اختصاص داد تا در آنجا به فعالیت بپردازند. مشابه این عمل را منصور خلیفه عباسی در بغداد انجام داد. به نظر می‌رسد هدف

آنها ترغیب صاحبان حرف، دانشمندان و تجار بوده است، چرا که خدمات آن بافت شهر را زنده می‌کرد و به تکامل و رونق آن کمک می‌کرد.^{۴۸}

4. دارالاماره یا قصر حکومتی

در ابتدای ظهور اسلام مدینه منوره به عنوان پایتخت حکومت اسلامی و مرکز اداری این حکومت محسوب می‌گردید؛ اما با گسترش فتوحات اسلامی ایجاد مراکز اداری یا پایتخت‌هایی برای اقلیم‌های فتح شده ضروری به نظر می‌رسید و همین مسئله باعث شد تا شهرهای جدیدی برنامه‌ریزی و ساخته شوند که بصره، کوفه، واسط، فسطاط و بغداد از این قبیل‌اند. سپس برای هر یک از شهرهای نو بنیاد بنایی به نام «دارالاماره» ساخته شد که به عنوان مرکز سیاسی و اداری شهر نقش مهمی را ایفا می‌کرد.

در ابتدا دارالاماره در جوار مسجد جامع یا نزدیک به آن ساخته می‌شد، زیرا هر دو نهاد مکمل یکدیگر بودند و سهم بسزایی در قدرت و ثبات حکومت ایفا می‌کردند. این امر در طراحی شهرهای اسلامی به عنوان یک سنت تداوم یافت. البته بعدها به دلیل شرایط سیاسی و امنیتی و توجه به دستگاه‌های حکومتی، دستگاه‌های مذهبی را تا حدی به حاشیه برد. به خصوص زمانی که نظام حکومتی اسلام از صورت خلافت که بر پایه شورا استوار بود، در آمد و در آغاز دوره امویان به صورت سلطنتی اداره می‌شد. بغداد و واسط، نمونه بارزی از شهرهای اسلامی بین‌النهرین هستند که بر این مبنا بنا شده‌اند؛ بغداد از حیث پایتخت شدن و واسط به دلیل مرکزیت اداری یافتن.^{۴۹} قصر حجاج بن یوسف در مرکز شهر و در کنار مسجد جامع بنا گردید. این خود دلیلی است بر اینکه کاخ حاکم به عنوان مرکز حکومت و مرکز اداری آنها محسوب می‌شده است. عبدالستار عثمان معتقد است حجاج به تقلید از معاویه که قصر الاخضر دمشق را به عنوان مرکز حکومت قرار داد به این اقدام دست زد و قصر خود را مرکز اداری شهر قرار داد.^{۵۰}

5. معابر و راه‌های ارتباطی

خیابان‌ها و معابر از جمله تأسیساتی هستند که به عنوان شریان ارتباطی، اجزای مختلف شهر را به هم پیوند می‌دهند. توجه به این امر، هماهنگی و نظمی را در جامعه ایجاد می‌کند که زمینه‌ساز تکامل و توسعه مدنی است.

پس از شکل‌گیری حکومت اسلامی در یثرب و اجتماع مسلمانان در این شهر - به عنوان نخستین الگوی شهرسازی اسلامی - یکی از نیازهای اصلی شهر ارتباط و تعامل عناصر دینی، سیاسی و اقتصادی بود و مسلمانان نیز این نیاز را نادیده نگرفتند و شاهراه‌ها و معابر متعددی را برای شهر تعبیه کردند. در مدینه‌النبی شاهراه‌هایی در نظر گرفته شده بود که از مرکز شهر یعنی از مسجد جامع به اطراف آن امتداد داشت. خیابان‌های اصلی و فرعی به گونه‌ای ساخته شده بودند که محله‌های مسکونی مهاجرین و انصار را در بر می‌گرفت و ساکنان شهر به راحتی به مسجدالنبی دسترسی داشتند.^{۵۱}

در شهر واسط نیز با توجه به معماری گذشته، راه‌ها و معابری تعبیه گردید. نکته قابل توجه در طراحی خیابان‌های واسط که در تداوم سنت نبوی بود، اتصال عناصر اصلی شهر و ارتباط کلیه قسمت‌های شهر با مسجد جامع بود. معیاری که به عنوان یکی از اصول اصلی شهرسازی اسلامی ملحوظ گردید. البته مرکزیت دادن به مسجد جامع و اتصال کلیه راه‌های ارتباطی تا زمانی قابل حصول بود که در شهر فقط یک جامع وجود داشته است؛ کما اینکه با گسترش شهرسازی اسلامی این نکته ضروری و لازم تلقی نمی‌شد.^{۵۲}

علت بنای شهر واسط

پس از تثبیت حکومت اموی و استقرار امنیت در عراق به وسیله حجاج به یوسف ثقفی، وی تصمیم به ساختن شهری گرفت که مرکز اداری حکومت و مقر لشکریانش باشد. او این شهر را در نزدیکی کوفه و بصره بنا کرد، زیرا:

1. کوفه مرکز حرکت‌های انقلابی مخالف بود که از آن جمله می‌توان به شورش

محمد بن اشعث و سرکشی اشراف کوفه اشاره کرد.^{۵۳}

2. حجاج می‌خواست سربازان شامی را که عبدالملک برای پشتیبانی او فرستاده بود. در این شهر ساکن کند تا با عراقی‌ها و لشکریان عراقی مخلوط نشوند، چون حجاج از این می‌ترسید که روحیه انقلابی به آنها سرایت کند. بحشل در **تاریخ واسط** در این باره می‌گوید:

حجاج بن یوسف ثقفی درباره علت بنای شهر واسط گفته است می‌خواهم میان این دو شهر [کوفه و بصره] شهر دیگری بنا کنم تا بتوانم به هر دوی آنها نزدیک باشم، زیرا بیم آن دارم که من در یکی از این شهرها باشم و در شهر دیگر حادثی رخ دهد و من از آن بی‌خبر بمانم و چون به سرزمینی که در وسط این شهر واقع بود رسید و گفت: این وسط هر دو شهر است. سپس نامه‌ای به عبدالملک مروان نوشت و از او اجازه خواست تا در وسط این دو شهر شهری جدید بنا کند.^{۵۴}

مراحل ساخت شهر واسط

بررسی تاریخی این شهر نشانه‌هایی را منعکس می‌کند که معماری این شهر را نسبت به شهرهای ماقبل خود متمایز می‌سازد. حضور موالی در آن برهه زمانی و تلاش حجاج بن یوسف ثقفی برای اسکان قبایل و سربازان با هدف جلوگیری از ادغام آنها با مردم عراق و عدم درگیری بین اصناف و قبایل، بر معماری شهر تأثیر بسزایی داشت. اختصاص دادن مکان‌های مشخص به اصناف مختلف و تقسیم‌بندی بازار، ساختن قصر حکومتی در جوار مسجد به عنوان مرکز اداری دولت و تسلط بر شهر، از جمله اقدامات عمرانی هستند که در پی سیاست‌های حجاج در شهر واسط به کار گرفته شد. شهر واسط در مکانی نزدیک به شهر «الحن» کنونی ساخته شد که نقطه‌ای میان بصره و کوفه است.^{۵۵}

بحشل در کتاب **تاریخ واسط** ساخت شهر واسط را در دو مرحله توصیف کرده است: در مرحله اول که سه سال به طول انجامید، قصر حکومتی، مسجد و حصار شهر

ساخته شد و خندق پیرامون آن نیز حفر گردید.

مرحله دوم تا سال 87 هـ. به طول انجامید و برای اتمام آن خراج پنج ساله عراق را صرف آن کردند. سپس به گروهی از بزرگان کوفه فرمان داد تا در آن سکونت گزینند و به شامیان همراه خود دستور داد تا در میان ایشان حائل شده و در پشت قصر حکومتی سکونت گزینند. فروشندگان مواد غذایی، پارچه‌فروشان، صرافان و عطاران را در سمت راست بازار و در جوار خرازاها سکونت داد. صنعتگران را در سمت چپ بازار به طرف دجله و در کنار دروازه خرازاها مستقر کرد. وی برای اصناف مختلف و تجار قطعه زمینی تعیین و به آنها واگذار کرد. هدف این بود که اصناف با یکدیگر مخلوط نشود. سپس دستور داد که برای هر صنفی یک صراف تعیین شود. برای قصر خود چهار دروازه قرار داد که عرض راه‌هایی که از این درها عبور می‌کردند هر کدام هشتاد ذرع بود. در قسمت شرق شهر گورستانی برای مردم اختصاص داد. سپس پلی بنا کرد و سکه زد و با تکیه بر شمشیر بر اریکه قدرت نشست.^{۵۶}

رونق و آبادانی شهر واسط

شهر واسط در عصر حجاج بن یوسف ثقفی از رونق و آبادانی زیادی برخوردار بود و در عصر خلفای اموی و عباسی از شهرهای معروف عراق به حساب می‌آمد. بسیاری از جغرافی‌دانان شهر واسط و موقعیت جغرافیایی آن را وصف کرده و علت رونق و آبادانی آن را نیز در همین امر دانسته‌اند. لسترنج در این باره اظهار داشته است که: در اواخر قرن 8 هـ. واسط مکرراً به عنوان نقطه مهمی در لشکرکشی‌های امیر تیمور ذکر شده است.^{۵۷}

ابن بطوطه نیز می‌گوید:

واسط شهری است زیبا، دارای باغ‌های فراوان و درختان بسیار. این شهر رجال معروفی تربیت کرده که زنده‌شان وسیله هدایت مردم و

مردم‌شان مایه عبرت آنان است. مردم واسط از بهترین مردمان عراق بلکه به طور مطلق بهترین مردمان آن نواحی‌اند. اغلب آنان قرآن را از حفظ دارند و تجوید را با قرائت صحیح و خوب بلدند، به طوری که از شهرهای دیگر عراق برای آموختن تجوید به آن شهر می‌روند. در قافله‌ای هم که بودیم عده‌ای به همین منظور به واسط می‌رفتند. واسط شهر بزرگان و فقها به شمار می‌رود.^{۵۸}

البته گزارش ابن بطوطه متعلق به سال 725 هـ. است؛ اما با مطالعه سفرنامه وی می‌توان به اهمیت شهر واسط و نقش مسلمانان در آبادانی و عمران آن در قرون اولیه پی برد. معماری مساجد و مناره‌های شهر واسط نیز به سبک معماری گذشته مسلمانان تداوم یافت و این امر بر رونق شهر افزود.

ایمن‌سازی شهر واسط

امنیت برای تکوین جامعه اسلامی از نیازهای اولیه به شمار می‌رود. در تمدن اسلامی ساخت حصار، برج، قلعه و استحکامات شهری از اهداف و نیازهای مهم یک شهر تلقی می‌شد. واسط یکی از مهم‌ترین شهرهای اسلامی است که از همان آغاز تأسیس به استحکام دفاعی آن توجه شده است. شهر با تجهیزاتی چون خندق و بارو محافظت می‌گردید و از ابتدا صورت یک شهر نظامی را به خود گرفت تا نیاز سربازان فاتح خود را برآورده سازد.^{۵۹}

با گسترش فتوحات ساختن برج و بارو برای شهرهای تازه تأسیس اقدامی ضروری‌تر به نظر می‌رسید؛ به خصوص در شهرهایی که با انگیزه دفاعی و نظامی نیز ایجاد شده بودند. شهر واسط نیز از زمره همین شهرها بوده است که به حصار کشی و برج و باروی آن اهمیت زیادی داده شد. راه‌های ارتباطی شهر واسط نیز نقش مهمی در ایمنی آن داشت. در امتداد هر یک از دروازه‌ها، خیابانی اصلی کشیده شده بود که به مسجد جامع و قصر حکومتی در مرکز شهر ختم می‌شد؛ اما انتخاب موقعیت شهر در وسط راه بصره و

کوفه با هدف کنترل دو شهر صورت گرفته بود تا از اختلاط سپاهیان شام با مردم کوفه و بصره جلوگیری شود.^{۶۰}

ابتکار مسلمانان در ایمن سازی شهر سبب شد تا واسط به یک مرکز اداری قدرت مند تبدیل شود و قدرت امویان در سرتاسر عراق تثبیت گردد و به راحتی بتوانند شورش‌هایی که دولت امویان را تهدید می کرد سرکوب کنند. اما با انتقال حکومت به عباسیان و تغییر مسیر دجله این شکوه و آبادانی رو به افول گذاشت و بسیاری از عناصر مدنی آن رو به ویرانی نهاد. امروزه خرابه‌های شهر واسط «المناره» نام دارد که شامل منطقه وسیعی است که در امتداد دو جانب بستر قدیم دجله که امروزه به «دجیبه» معروف است، واقع شده است.^{۶۱}

نتیجه گیری

اسلام برای زندگی پیروان خود قوانین منسجمی دارد که از یک سو آسایش حیات اخروی و از سوی دیگر رفاه، آسایش و امنیت را برای آنان به ارمغان می آورد. یکی از نیازهای بشر که در دین اسلام به آن توجه وافر شده و برای آن اصول معینی پیش‌بینی گردیده زندگی مدنی است. شهرسازی اسلامی منطبق با معماری اسلامی و الهام گرفته از ارزش‌های اسلامی می‌باشد. شهر واسط نمونه‌ای از شهرهایی است که کالبد فیزیکی آن ماهیت اسلامی یافت.

از آنچه گفته شد می‌توان چنین نتیجه گرفت:

1. ایجاد شهر یکی از بزرگ‌ترین تحولات فرهنگی زندگی انسان بوده است که موجب دگرگونی در روابط متقابل انسان‌ها گردیده است.
2. یکی از مهمترین نظریه‌های ساخت شهری این است که ساخت و طراحی شهرها بر مبنای ایدئولوژی حاکم بر سکونت‌گاه‌ها ایجاد می‌شود و شهر اسلامی نیز از این امر مستثنا نیست. علاوه بر این می‌توان شهرهایی را نیز نام برد که ضمن توجه به عامل دین بر مبنای نظریه ساخت طبیعی شهر یا تکیه بر مؤلفه‌های جغرافیایی نیز شکل گرفته باشند

- که شهر واسط نمونه‌ای از این گونه شهرهاست.
3. شهرسازی اسلامی بر اساس اصول برگرفته از قرآن و سیره رسول الله 6 تداوم یافته است.
4. کالبد شهر اسلامی متأثر از ارزش‌های اسلامی است، چرا که تداوم فرهنگ اسلامی نیازمند فضایی است که متناسب با ایده‌های آن باشد.
5. شهر واسط نمونه بارز شهرهایی است که سه مؤلفه و عنصر اصلی شهر اسلامی (مسجد، بازار و دارالاماره) را دارا است. اتصال مساجد، بازار و دارالاماره از مهم‌ترین شاخصه‌های این شهر می‌باشد.
6. در شهر واسط تفکیک محلات و اسکان قبایل همگن با هدف ممانعت از کشمکش‌های احتمالی میان قبایل صورت گرفت که پیامد مفید دیگری نیز به دنبال داشت و آن رقابت محلات و رشد فزاینده شهر بوده است.
7. ایجاد محلات در شهرهای اسلامی گویای اهمیت حریم خصوصی خانواده در نظام اسلام می‌باشد.
8. رویارویی اعراب با موالی، توقف فتوحات و تضعیف روحیه نظامی در بین مسلمانان از مهم‌ترین زمینه‌ها و علل شکل‌گیری شهر واسط بوده است.
9. شهرسازی در واسط متأثر از دستاورد شهرهایی چون مدینه، بصره و کوفه بوده است که البته دو شهر اخیر تا حدی تحت تأثیر تمدن ایرانی بین‌النهرین بودند.

پی‌نوشت‌ها

1. محمد کاظم مکی، *تمدن اسلامی در عصر عباسیان*، ترجمه محمد سپهری (تهران: سمت، 1383) ص 21.
2. روث وایت هاوس، *نخستین شهرها*، ترجمه مهدی سحابی (تهران: نشر فضا، 1369) ص 3.
3. محمد عبدالستار عثمان، *مدینه اسلامی*، ترجمه علی چراغی (تهران: 1376) ص 19، به نقل از: مصطفی موسوی، *العوامل تاریخیه لنشأة و تطور المدن العربیه الاسلامیه* (دارالرشید، 1982 م) ص 355.
4. ابن منظور، *لسان العرب* (بیروت: داراحیاء التراث العربی، 1408 ق) ج 3، ص 55.
5. شمس‌الدین مقدسی، *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم* (داراحیاء الدراسات العربی، فرع اول، 1408 ق) ص 48.
6. سعید درکوش عابدین، *درآمدی بر اقتصاد شهری* (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، 1383) ص 53.
7. Philip. M. Hauser, *The study of Urbanization. An Overview*, united states of America, Chicago, 1965; 23.
8. روث وایت هاوس، *پیشین*، ص 40.
9. Paul Hofer.
10. حسین پاپلی یزدی و حسین رجبی سناجردی، *نظریه‌های شهر و پیرامون* (تهران: سمت، 1387) ص 50.
11. حسین شکویی، «بررسی نظریه‌های مربوط به پیدایی شهرها»، *مجله رشد آموزش جغرافیا*، ش 16، زمستان 1376.
12. حسین پاپلی یزدی، *پیشین*، ص 106.
13. همان، ص 111 - 112.
14. اعراف (7) آیه 82 - 85؛ عنکبوت (29) آیه 67 و انعام (8) آیه 92.
15. Cater Harloa, *An Introduction to urban Historical Geography*,

Lodon and New York Reprintad, p. 7, 1989.

16. نجم الدین بemat، *شهر اسلامي*، ترجمه محمد حسین حلیمی و منیژه اسلامبولچی (انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1369) ص 97.
17. پرویز پیران، «دیدگاه‌های نظری در جامعه‌شناسی شهر و شهرنشینی (مکتب تاریخ نگاری و آرمانشهری)»، *مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی*، ش 47 - 48.
18. هود (11) آیه 61.
19. بقره (2) آیه 126.
20. اصغر منتظرالقائم، «جایگاه مسجد و نقش آن در شهر اسلامی»، *مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان شهر اسلامي*، به اهتمام اصغر منتظرالقائم (اصفهان: دانشگاه اصفهان، 1387) ص 443 - 444.
21. لادن اعتضادی، «نقش مسجد در ساختار شهرهای مسلمان‌نشین»، *ماهنامه مسجد*، ش 44 (خرداد و تیر 1378) ص 67.
22. دان ناردو، *بین‌النهرین باستان*، ترجمه سهیل سمی (تهران: ققنوس، 1385) ص 9.
23. هشام جعیط، *کوفه شهر اسلامي*، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم (مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، 1372) ص 189.
24. *همان*، ص 190.
25. محمد بن جریر طبری، *تاریخ الرسل و الملوك* (بیروت: موسسه اعلمی، 1409 ق) جزء سوم، ص 90.
26. *همان*، ص 148.
27. احمد بلاذری، *فتوح البلدان*، ترجمه آذرتاش آذرنوش (بنیاد فرهنگ ایران، 1342) ص 275.
28. احمد بن ابی یعقوب، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمدابراهیم آیتی (تهران: انتشارات علمی فرهنگی، 1374) ص 230 - 231؛ ابوالقاسم عبیدالله ابن خردادبه، *مسالك و ممالك*، ترجمه سعید خاکرند (تهران: میراث ملل، 1371) ص 4، ابوالقاسم بن

- حوقل، *المسالک و الممالک* (بی‌جا، چاپ لیدن، 1872 م) ص 162.
29. مقدسی، *پیشین*، ص 106 - 107؛ ابواسحاق ابراهیم اصطخری، *مسالك و ممالک*، ایرج افشار (بی‌جا: انتشارات علمی و فرهنگی، 1368) ص 83؛ انور رفاعی، *تاریخ هنر در سرزمین اسلامی*، ترجمه رحیم قنوات (مشهد: جهاد دانشگاهی، 1377) ص 26 - 27.
30. گی لسترنج، *جغرافیایی تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه محمد عرفان (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، 1373) ص 42.
31. مقدسی، *پیشین*، ص 128.
32. همان.
33. ابن حوقل، *پیشین*، ص 215.
34. ابن خردادبه، *پیشین*، ص 194؛ مقدسی، *پیشین*، ص 107؛ اصطخری، *پیشین*.
35. حسین پاپلی یزدی، *پیشین*، ص 68.
36. اصطخری، *پیشین*.
37. مقدسی، *پیشین*، ص 106.
38. رسول ربانی، *جامعه شناسی شهری* (تهران: سمت و دانشگاه اصفهان، 1381) ص 134.
39. ابن سعد، *الطبقات الکبری* (بیروت: دارالصادر، بی‌تا) مجلد اول، ص 236.
40. توبه (9) آیه 108.
41. احمد اشرف، «ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی»، *نامه علوم اجتماعی*، سال اول، شماره اول، (1353)، ص 50 - 80.
42. محمد عبدالستار عثمان، *پیشین*، ص 77.
43. محمد بن عمر واقدی، *المغازی*، تحقیق مارسدن جونز (بیروت: موسسه

- اعلمی، (1409 ق) جزء دوم، ص 760.
44. احمد بلاذری، *پیشین*، ص 217.
45. محمد عبدالستار عثمان، *پیشین*.
46. امیل دورکیم، *تقسیم کار اجتماعی*، ترجمه حسن حبیبی (انتشارات قلم، 1359) ص 384 - 385.
47. مسعود خیرآبادی، *شهرهای ایران*، ترجمه حسین حاتمی نژاد (نشر نیکا، 1376) ص 107.
48. محمد عبدالستار عثمان، *پیشین*، ص 121.
49. *همان*، ص 115.
50. *همان*، ص 77.
51. *همان*، ص 57.
52. اسلم بن سهل الرزاز الواسطی بحشل، *تاریخ واسط*، تحقیق کورکیس عواد (بیروت: عالم الکتب، 1406 ق) ص 39.
53. محمد بن جریر طبری، *پیشین*، جلد چهارم، ص 560.
54. بحشل، *پیشین*، ص 38.
55. انور رفاعی، *پیشین*، ص 26 - 27.
56. *همان*.
57. لسترنج، *پیشین*، ص 43.
58. ابن بطوطه، *تحفة النظار في غرائب الامصار و عجائب الاسفار* (قاهره: بی نا، 1370 ق) ص 226 - 227.
59. محمد عبدالستار عثمان، *پیشین*، ص 135.
60. *همان*.
61. لسترنج، *پیشین*.